خبر

پاسخ صداوسیما به نظام پرستاری درباره سریال «هفت سر اژدها»

مرکز سیمافیلم در واکنش به برخی حاشیه‌ها درباره سریال رمضانی «هفت سر اژدها»، توضیحاتی را منتشر کرد.

به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی سیما، توضیحات مرکز سیما فیلم بدین شرح است:

"به نام خدا

اخیرا در جریان پخش یکی از قسمت‌های سریال «هفت سر اژدها» که به موضوع فساد و صاحبان رانت و اشرافیت می‌پردازد، ادای چند کلمه از سوی یکی از شخصیت‌های منفی سریال موجب شده تا برخی مسئولین سازمان نظام پرستاری نه تنها موضوع را به‌عنوان توهین به پرستاران تلقی کنند، بلکه به صراحت عنوان کنند که سازمان صدا و سیما آن گونه که شایسته است کاری برای پرستاران انجام نداده است. بنا به وظیفه‌ی همیشگی رسانه ملی در خصوص رفع ابهامات پیش آمده در این‌جا به ذکر چند نکته اشاره می‌شود:

الف. بدیهی است که اگر ذم و قدح یک انسان از زبان شخصیتی منفی مطرح شود، در واقع آن انسان را مدح کرده‌ایم چون مخاطب نسبت به گویندهٔ آن ذم و قدح احساس نفرت دارد و با سخنان او همراه نیست. در «هفت‌سر اژدها» کسی که به پرستاران عزیز با زبان توهین‌آمیز سخن می‌گوید یکی از منفورترین شخصیت‌های سریال و از شخصیت‌های رانت‌خوار است. اساس این صحنه همین بوده که نشان دهد عده‌ای از دماغ فیل افتاده به مردم زحمتکش ایران با چه چشمی نگاه می‌کنند. آیا اگر شخصیت‌های شمر و یزید در سریالی تاریخی علیه یکی از شخصیتهای مقدس تاریخی سخنان ناروایی بگویند، وهن آن شخصیت شده است؟

ب. سازمان صدا و سیما را متهم کرده‌اند که با وجود مجاهدت‌های جامعه پرستاری کشور در این باره کاری شایسته نکرده‌اند. در جریان همه‌گیری کووید رسانه ملی تولید سه سریال مختلف در زمینه ایثارگری جامعه پرستاری را پیش برد که با صرف میلیاردها بودجه و بدون هیچ کمکی از سوی معترضین فعلی، و فقط بنا به احساس وظیفه ملی سازمان صدا و سیما در قبال پرستاران عزیز کشور با نام‌های «آزادی مشروط»، «محرمانه» و «بیست کووید» تولید و پخش شد.

ج. قابل پیش‌بینی بود که ساختن سریالی با موضوع اشرافیت و فساد و رانت به تدریج حملاتی را متوجه سازمان صداوسیما کند. به هر روی رسانه ملی پیگیر حقوق خود و کشف واقعیت در این زمینه خواهد شد اما این اتهامات مخاطبان بیشتری را به پای تماشای سریال خواهد آورد تا مردم شریف ایران خود درباره واقع امر داوری کنند، که بهترین داور کارنامه این رسانه، مردم شریف ایران هستند.

به بهانه سال‌روز تولد پروین اعتصامی

نگاهی به فیلم «پروین»

فیلم «پروین» به کارگردانی محمدرضا ورزی که در جشنواره فیلم فجر امسال به نمایش درآمد، به زندگی پروین اعتصامی به روایت برادرش می‌پردازد. تنها دختر یوسف اعتصام الملک که کوچک‌ترین فرزند او بود را رخشنده نامیدند، شاعره معاصر ما که بعدها به نام پروین شناخته شد متولد بیست و پنج اسفند ۱۲۸۵ شمسی در تبریز پس از پنج برادر و درگذشته ۱۵ فروردین ۱۳۲۰ در تهران است.

فیلم‌هایی مانند «پروین» می توانند به نشان دادن درست تاریخ و نور تاباندن بر زوایای تاریک و مجهول آن برای آگاهی‌بخشی به نسل معاصر بسیار موثر باشند

به گزارش مهر عمر کوتاه او هم‌زمان با دوره تغییر جامعه و تلاطم‌های مشروطه بود و وجودش به واقع درخششی - هرچند کوتاه - در تاریخ ادبیات و حضور اجتماعی زنان و گذار از پرده نشینی و تاریکی نادانی به عرصه علم و ادب و دانش و اجتماع بود. بهانه این یادداشت اما، فیلم «پروین» به کارگردانی محمدرضا ورزی است که در جشنواره فیلم فجر امسال به نمایش درآمد و به زندگی او به روایت برادرش ابوالفتح اعتصامی (با بازیگری امیرحسین صدیق) می‌پردازد.

آنچه در فیلم در مورد شخصیت پروین بیان می‌شود، تصویر زنی حساس و ضعیف و بی‌رمق است که در مواردی با واقعیت‌های زندگی او نیز چندان مطابق نیست. می‌دانیم که بیشترین تأثیر در هویت پروین را خانواده او به‌خصوص پدر (یوسف اعتصامی) و مادر (اختر فتوحی دختر میرزا عبدالحسین مقدم العداله) داشته اند. یوسف اعتصام - که در فیلم محمدرضا شریفی نیا نقش او را بازی می‌کند - مردی است نواندیش و آزاده، مسلط به زبان‌های عربی و فرانسه و ترکی که اهل قلم و نگارش است و ترجمه می‌کند (به جز ترجمه کتاب‌های ویکتور هوگو و ژول ورن او اولین کسی که نمایشنامه‌ای از شیلر را از آلمانی به فارسی برگرداند) و یکی از کتاب‌هایش (به عربی) در مصر سال‌ها به عنوان کتاب درسی تدریس می‌شد، اما کتابی که در مورد ظهور شخصیت پروین می‌توان به آن اشاره کرد کتاب «تربیت نسوان» است. این کتاب که نخستین رساله مدرن در دفاع از حقوق زنان به زبان فارسی است، ترجمه‌ای مختصر از کتاب «تحریر المراة» به قلم قاسم امین مصری است که در باب حقوق زنان نوشته شده بود و در قاهره منتشر شده و هرچند بر پایه آیات و احادیث بود موجبات واکنش علمای سنت گرای مصر را فراهم آورد.

پروین کوچک تحت تعالیم پدرش در خانه فرانسه و عربی و ترکی را به خوبی آموخته بود، و سپس به مدرسه آمریکاییان رفت و به عنوان دانش آموز ممتاز از آن مدرسه فارغ التحصیل شد و مدتی نیز همان جا تدریس کرد. تاثیر دیگری که پدر و شخصیت او روی دختر کوچک داشته حضور و وزن او در جمع ادیبان و فرزانگان دوران خود مانند ملک الشعرای بهار، میرزا کاظم آشتیانی، علی اکبر دهخدا، عباس خلیلی (پدر سیمین بهبهانی) و ... بود که باعث برکشیده شدن و تراشیده شدن شخصیت پروین در مواجهه با این فضای فرهنگی شد. در فیلم بخشی از این معاشرت‌ها را - به‌خصوص در مورد حضور پروین و شعر خوانی در انجمن ادبی - می‌بینیم، هرچند نوع پرداخت شخصیت ظریف و شکننده پروین طوری است که گویی ملک الشعرای بهار و دهخدا آبگینه در دست دارند و نگران شکستن آن به کوچک‌ترین تلنگری هستند! در حالی که سخنرانی او در هنگام فارغ التحصیلی با عنوان «زن و تاریخ» در عین حال که نشان‌دهنده پختگی زبان و اندیشه اوست، بیان کننده شخصیت محکم و متکی به نفس او در بیان اندیشه‌ها و دفاع از آنهاست. به واقع سختی‌های زندگی زنی مانند پروین او را سخت قدرتمند و آرام و محکم ساخته بود که مخالفت‌های بی‌پایه و اساس شاعرانی نظیر گرگانی (که شائبه شعر دزدی پروین را مطرح کرده بودند) خللی در عزم و توان او ایجاد نمی‌کرد.

بخشی از این سختی مربوط به ازدواج اوست که در فیلم بزرگنمایی شده و به درستی و مطابق واقعیت نشان داده نشده است. به هر صورت پروین دختری از خانواده‌ای بزرگ و سرشناس بوده که علیرغم حفظ سنت‌ها در زمانه خود بسیار پیشرو و نواندیش بوده اند و به صورتی سنتی با پسرعموی پدرش به نام فضل‌الله همایون فال که مردی ارتشی و البته اهل ادب بوده ازدواج می‌کند و به کرمانشاه - محل خدمت همسر - می‌رود ولی بعد از مدتی بسیار کوتاه (نزدیک یک ماه بعد) به خواست خود و به دلیل استفاده همسرش از تریاک و مشروبات از او جدا می‌شود. این جدایی سریع و خود خواسته با حمایت کامل خانواده پروین و توافق همسرش که مردی لطیف الطبع بوده است، بوده و تأثیر منفی ای بر وجهه و روح پروین نداشته است. این عمل، یعنی درخواست جدایی نوعروس به دلیل استفاده شوهر از تریاک در آن دوران چندان پذیرفتنی نبوده و پرداختن فیلم به شخصیت پروین در بافت دوره تاریخی خاص خود می‌توانست این واقعیت را به خوبی نشان بدهد، چنان که در شرایطی نسبتاً مشابه عالیه خانم جهانگیر با وجود داشتن تحصیلات و استقلال مالی و خانواده‌ای اهل ادب و نواندیش نمی‌تواند از نیما یوشیج (که بر خلاف همایون فال دارای شغل هم نبوده) جدا بشود.

نکته‌ای دیگر که در فیلم از فضای زمانه پروین مغفول مانده و باعث ضعف شخصیت پروین و عدم تطابق آن با واقعیت است، حذف یا نادیده گرفتن زنان معاصر او و دستاوردهای آنان است. می‌دانیم که دوره مشروطه بزنگاهی تاریخی است که شخصیت‌های درخشانی از زنان مانند فخرعظمی ارغون، بی‌بی خانم استرآبادی و ... در آن بروز یافته اند و حضور این زنان بر شخصیت پروین تاثیرگذار بوده است. متأسفانه در فیلم به جز مادر پروین (با بازی آزیتا حاجیان) و مهکامه محصص (مادر اردشیر محصص) که دوست پروین بوده و خواهر همکار پروین در کتابخانه، زن واقعی دیگری نمی‌بینیم. گویی پروین- با وجود اشتغال به کار در کتابخانه دانشگاه و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی دیگرش- در آکواریومی تحت حمایت و حفاظت پدر و دوستان پدر و برادرش نگهداری می‌شود و پرواضح است این رشد آکواریومی نمی‌توانسته چنین رشد چند وجهی‌ای را برای پروین به دنبال داشته باشد.

فیلم‌هایی مانند «پروین» می‌توانند به نشان دادن درست تاریخ و نور تاباندن بر زوایای تاریک و مجهول آن برای آگاهی بخشی به نسل معاصر بسیار موثر باشند. در مجموع هرچند ساخت فیلم از زندگی شخصیت‌های ادبی و فرهنگی به‌خصوص زنان، کاری ارزشمند است اما گزیده گویی زیاد و برخورد انتخابی با وقایع تاریخی دوره زندگی پروین و آمیختگی آن با خیال باعث شده که علیرغم تلاش بازیگر نقش پروین (مارال بنی‌آدم) برای نزدیکی به این شخصیت، پروینِ این فیلم شخصیتی کم‌مایه و ضعیف نشان داده شود.

سعید حمیدیان معتقد است: «عشق و ستایش جمال در اشعار پروین راه ندارد و به‌طور کلی در اشعار او اثری از ظرافت روح زنان به چشم نمی‌خورد و معلوم نیست این همه صبغه مردوارگی را در اشعار پروین چگونه باید توجیه کرد.»

به گزارش ایسنا، رخشنده اعتصامی معروف به پروین اعتصامی، شاعر در ۲۵ اسفندماه ۱۲۸۵ در تبریز متولد شد و در ۱۵ فروردین ۱۳۲۰ در سن ۳۴سالگی بر اثر بیماری حصبه درگذشت.

او از کودکی فارسی، انگلیسی و عربی را نزد پدرش آموخت و از همان کودکی زیر نظر استادانی مثل دهخدا و ملک‌الشعرا بهار سرودن شعر را آغاز کرد. اعتصامی شعرهایش را در حضور چهره‌هایی مانند علی‌اکبر دهخدا، ملک‌الشعرا بهار، عباس اقبال آشتیانی، سعید نفیسی و نصرالله تقوی که از دوستان یوسف اعتصامی، پدر او بودند و گاهی اوقات به خانه او می‌آمدند، می‌خواند و مورد تشویق آن‌ها قرار می‌گرفت.

از ستایش تا انکار پروین

سعید حمیدیان در کتاب «در طریق ادب: از فردوسی تا نیما» در مقدمه مقاله خود با عنوان «نقد پروین اعتصامی» یادآور شده چند دیدگاه نسبت به شعر پروین وجود دارد؛ «گروهی در ستایش شأن شعر و اخلاقش از هیچ مبالغتی فروگذار نکرده‌اند، گروهی دیگر در عین اذعان به بلندی جایگاه شاعری‌اش از جهت کهن‌گرایی مفرط او و دوری‌اش از زبان زمان، قوالب جدید و خواست و نیاز عصر و نیز عواطف و روحیات و زبان زنانه بر او تاخته‌اند و حتی معدودی افراد دیگر از بیخ منکر شاعری او و وجود پروین شاعر شده و کل دیوان موجود را به استثنای چند قطعه شعر نازل‌قدر، از کسانی دیگر همچون دهخدا دانسته‌اند و بدین سان او را در شمار سارقان متشاعر قلمداد کرده‌اند. استدلال‌های این‌گونه افراد بر حول این محور متمرکز است که سرودن اشعاری از این طراز نیاز به دانشی وسیع در ادب کهن، ممارستی زایدالوصف در سخن‌سرایی و نیز چنته‌ای عظیم و مالامال از تجارب حیات دارد؛ و چگونه ممکن است که این مزایا برای زنی جوان آن‌هم با شرایط زنان عصر پروین و برای کسی با تحصیلات ناچیز و در عمری بس کوتاه دست داده باشد؟ پس نه شگفت اگر اعجاب همگانی در باب چنین اعجوبه‌ای برای عده‌ای دست‌موزه انکار و ایراد اتهام شود.»

او در ادامه مقاله‌اش درباره محتوا و امور شکلی اشعار پروین به نقد و بررسی پرداخته و نوشته است: «عمده مضامین پروین این‌هاست: فقر و توانگری، ستم شاه و اغنیا، درد یتیمی و وضع طفل فقیر در میان اطفال توانگران، خامی و بی‌تجربگی در برابر پختگی و کارآزمودگی، ستایش خرد و علم و فرهنگ، قضا و قدر، کوشش و تکیه بر عمل خود، فضیلت درویشی و قناعت، مضامین عارفانه، مذمت غرور، حکمت خداوندی، ضعف و پیری، ناپایداری جهان، وجوب مکافات در جهان و سوانح و احوال خود شاعر. البته دسته اخیر یعنی اشعاری که دلالت بر زندگی خود شاعر یا برخی رویدادهای زمان دارد در برابر سایر موضوعات در اقلیت است همچون شعر در سوگ پدر، شعر برای سنگ مزار، مراسم فارغ‌التحصیلی از مدرسه دخترانه آمریکایی تهران، شکوه‌ای کوتاه از بی‌حاصلی زندگی خویش، پاسخی در دو بیت به آنان که پروین را مرد خوانده بودند و سرانجام شعری به مناسبت کشف حجاب در سال ۱۳۱۴.

یکی از سوژه‌های غالب در اشعار او جبرگرایی و تسلیم به قسمت و سرنوشت است. مضامین مبتنی بر ترک تعلقات، صبر و رضا، لطف حق و سیر در دنیای درون نیز جایی ویژه در آثار پروین دارد.

آمدیم، نبودید، نرفتیم!

دید و بازدیدهای نوروزی همیشه با آغاز سال نو شروع نمی‌شود؛ عده‌ای هستند که پیش از سالِ نو به دیدار عزیزانی می‌روند که هرچند خانه‌هایشان گرمای سابق را ندارد، اما مرور خاطراتشان دل را گرم می‌کند.

به گزارش ایسنا، اینکه دقیقا از چه زمانی افراد تصمیم گرفتند در آخرین پنجشنبه سال به دیدار اهل قبور بروند مشخص نیست؛ در واقع با رسمی مواجه هستیم که تاریخچه دقیقی برای آن وجود ندارد. هرچند که به وضوح مشخص است موضوع دیدار با خفتگان در سایر ایام سال رسمی دیرینه است، اما به شکل مشخص نمی‌دانیم اولین بار چه کسی آخرین پنجشنبه قبل از آغاز سال نو، به دیدارِ عزیز سفر کرده خود رفت و این فرهنگ باب شد.

شبِ عید است و شلوغی‌هایش؛ افراد در تکاپوی آماده شدن برای ورود به سال جدیدی هستند که می‌خواهند از روزهای نخست به همان شکلی پیش برود که برایش برنامه‌ریزی کرده‌اند، اما با این حال حتی این شلوغی‌ها هم باعث نمی‌شود برخی دیدار با اموات را فراموش کنند. رسمی که گویی به جا آوردن آن به یکی از آدابِ ورود به سال نو تبدیل شده است؛ تا حدی که در کلانشهری مانند تهران، بهشت‌زهرا (س) با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام می‌کند که از ساعت ۴ صبح پذیرای مهمانانِ نوروزی اموات است و حتی برای تسهیل عبور و مرور آنها برنامه‌ریزی ویژه انجام می‌دهد!

در آخرین پنجشنبه سال راه‌های منتهی به آرامستان‌ها شلوغ و پرترافیک است. افراد با هر شکل و ظاهری و برخی حتی با لباس‌هایی که برای عید نوروز خریده‌اند به دیدار عزیزشان می‌روند. هرچند که او قرار نیست به سیاق گذشته با لبخندی گرم پذیرای حضور مهمانان باشد، اما هیچ چیز در این دیدار کمتر از یک عید دیدنی نیست، با این تفاوت که میزبان تهیه و تدارکی برای مهمان ندیده است و گاهی خودِ مهمان با هدیه‌ای که قرار است خیرات شود از راه می‌رسد. این دید و بازدید متفاوت است؛ به جای آنکه در کوچه‌ها و خیابان‌ها به دنبال پلاک خانه‌ای بگردید تا عزیزی در بگشاید و شما را سخت در آغوش بکشد، این بار باید در میان سنگ‌های بلند و کوتاه به دنبال سنگ قبری باشید که یا تصویر چهره‌ای روی آن به شما لبخند می‌زند و یا نامی آشنا بر آن نقش بسته است.

حال و هوای آرامستان‌ها در این روز و حتی در ایام نوروز از سایر روزهای سال متفاوت است و امسال با توجه به تقارن این ایام با ماه رمضان، احتمالا اموات شریکِ سفره افطار مهمانان هم هستند. کسانی که شاید خودشان روزی سفره‌داری می‌کردند، اما در این مهمانی بدون حضور فیزیکی، گرمابخش دل‌هایی هستند که خاطرات خوب گذشته، آنها را به جایی کشانده که به جز یک سنگ قبر سرد چیز دیگری انتظارشان را نمی‌کشد و هرچه بگویند: «عیدتون مبارک» قرار نیست پاسخی بشنوند.

علیرضا زرین دست:

«تجربه» کیارستمی فوق العاده است

علیرضا زرین دست از چگونگی علاقه مندی خود به سینما گفت و فیلم‌های که از تجربه کار کردنشان لذت برده است.

موزه سینما در ادامه انتشار سلسله برنامه‌های تاریخ شفاهی خود به مناسبت زادروز «علیرضا زرین دست» مدیر فیلمبرداری پیشکسوت سینما بخش‌هایی از گفتگوی این هنرمند را منتشر کرده است.

به گزارش ایسنا، علیرضا زرین دست با بیان اینکه ۲۴ اسفند ۱۳۲۴ در تبریز متولد شده است، گفت: پدرم از مهاجرین باکو و پدربزرگم مشهدی بود و خوشبختانه در خانواده ای بزرگ شدم که نسبت به هنر حساسیت خاصی داشتند و تئاتر و نمایش را دنبال می‌کردند. وی ادامه داد: برادر بزرگم حسن زرین دست نقاش بسیار چیره دستی بود و زمانی که کار می‌کرد کنار او می‌ایستادم و بسیاری از آموزه‌های مربوط به ترکیب رنگ ، تقسیم بندی قاب و نورپردازی را از برادرم که با دقت و حوصله برای من توضیح می‌داد، یاد گرفتم و در ۱۴ سالگی با اغلب نورپردازی‌هایی که نقاشان پایه گذاری کرده بودند، آشنایی پیدا کرده بودم. برادرم به من توضیح می‌داد نورپردازی کلاسیک ، رئالیسم ، ناتالیزم و ... چه چیزی است و درباره ریشه بوجود آمدن آنها نیز برایم صحبت می‌کرد و من با عشق به او گوش می‌کردم.

ذهن تصویرسازی دارم

زرین دست با بیان اینکه برادر دیگرش مسعود نیز در آن زمان عکاسی می‌کرد، خاطرنشان کرد: در چنین شرایطی من غیرارادی از هر دو برادر یاد می‌گرفتم. در خانه ما اغلب درباره تئاتر صحبت می‌کردند زیرا خواهر و برادرهام در تبریز بازیگر تئاتر بودند و در صحبت‌های آنها متوجه می‌شدم که درباره مولیر و شکسپیر، چخوف صحبت می‌کردند، من آنها را می‌شنیدم و برایم بسیار جذاب بود. وی با بیان اینکه ذهن بسیار تصویرسازی دارد، بیان داشت: یادم می‌آید درهمان زمان کودکی وقتی خواهر و برادرهایم درباره سینما و تئاتر صحبت می‌کردند من در ذهنم از صحبت‌های آنها تصویر می‌ساختم و همه این‌ها دست به دست هم داد و از من به صورت غیرارادی شخصیتی ساخت که به سمت سینما، نور، نقاشی، عکاسی سوق پیدا کردم. یادم می آید در ۱۰ سالگی در خانه‌ای زندگی می‌کردیم که طبقه پایین آن سینما بود ؛ سینما داریوش در خیابان قزوین. یعنی فاصله من با سینما و آپاراتخانه سه دقیقه بود.

آشنایی با زنده یاد عباس کیارستمی

وی با بیان اینکه با عباس کیارستمی در پنج فیلم همکاری داشته است، گفت: اولین همکاری من با کیارستمی در« زنگ تفریح» بود و بعد از آن فیلم «تجربه» که به صورت سیاه و سفید کار کردیم و بعد از آن هم «گزارش»، «کلوزآپ» و «همسرایان». زرین دست با بیان اینکه تیتراژ فیلم «رشید» را کیارستمی ساخته است بیان داشت: آشنایی من با این هنرمند فقید سینما در همین تیتراژ بود که آن را فیلمبرداری کردم البته بعضی از پلان‌های فیلم «نان و کوچه » را هم من گرفتم.

همکاری با مسعود کیمیایی

وی در پاسخ به سوال مجید اسماعیلی مدیرعامل موزه سینما مبنی بر اینکه همکاری با مسعود کیمیایی را از چه زمانی آغاز کرده است، پاسخ داد: همکاری من با کیمیایی به سال های ۱۳۴۷، ۱۳۴۸ برای ساخت فیلم «بیگانه بیا» برمی گردد که در آن فیلم دستیار بودم و اولین پلانی که در زندگی هنری‌ام فیلمبرداری کردم مربوط به همان فیلم است. در آخر پلان یک ابری روی خانه می‌آید که من به محض آنکه آنرا دیدم به صورت اتفاقی به سرعت فیلمبرداری کردم که بسیار هم مورد توجه مسعود کیمیایی قرار گرفت. درواقع فیلمبرداری تمام شده بود و من یک دفعه چنین ابری را دیدم و آن را گرفتم و در فیلم قرار دادیم.

مجید اسماعیلی خطاب به علیرضا زرین دست گفت تعداد فیلم هایی که شما کار کردید بسیار زیاد است. کدام یک را بیشتر دوست دارید؟ و او پاسخ داد: تعدادی از فیلم‌هایم را از نظر مضمون، فیلمنامه و فیلمبرداری خیلی دوست دارم. فیلم «تجربه» عباس کیارستمی که سیاه و سفید است به نظرم فیلم فوق العاده‌ای است ، آن را خیلی دوست دارم و مورد تحسین منتقدان ایرانی و خارجی قرار گرفته است. همچنین فیلم‌های دیگری همچون: «سایه‌های بلند باد»، «خط قرمز»، «طلسم»، «بایسیکل‌ران»، «عروسی خوبان»، «خانه خلوت» و «بازمانده» را هم دوست دارم.

حوزه ثبت ملک ورامین
آگهی فقدان سند مالکیت

بنابه درخواست مالک مبنی براعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد تقاضا با تسلیم دوبرگ استشهادیه گواهی امضا شده ذیل شماره ۱۵۰۹۶ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۸ در دفترخانه اسناد رسمی ۱۳۷۷ تهران به ضمیمه درخواست به وارده شماره ۱۴۰۲۸۵۶۰۱۰۶۰۰۱۷۳۹۷ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۳ که تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت بشرح ذیل آگهی میگردد.
۱_نام ونام خانوادگی مالکین : سکینه شیخ علیان
۲_میزان مالکیت:سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین بمساحت ۱۵۱۰۰ مترمربع قطعه ۴۳ تفکیکی تحت پلاک ثبتی ۲۷ فرعی از۵۹ اصلی واقع در ورامین بهنام پازوکی ورامین که ششدانگ به دفتر۱۵۰ صفحه ۱ ذیل ثبت ۴۵۰۴۹ بنام سکینه شیخ علیان بشماره چاپی ۸۶۳۹۷۹ ثبت وصادر شده است وکه نامبرده هم اکنون تقاضای المثنی نموده است لذا شایسته است چنانچه سند مالکیت فوق الاشاره جهت تنظیم هرگونه معامله به آن دفترخانه ارائه گردید، اخذ وبه این واحد ثبتی ارسال نمایید .
۳_علت ازبین رفتن :جابجائی
۴_یحکایت سوابق ثبتی وثبت دفتر املاک تا کنون نسبت به مورد ثبت معامله ای صورت نگرفته است لذا با توجه به فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست المثنی مراتب اعلام تا شخص یا اشخاصی نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده اند ویا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی به ثبت اسناد ورامین مراجعه واعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند انتقال ، تسلیم نماید وچنانچه ظرف مهلت مقرر اعتراضی واصل نشود طند مالکیت المثنی طبق قانون ومقررات صادر وتسلیم خواهد شد.
۶۸۳ث/م الف
مصطفی شهبازی سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ورامین
از طرف امیرتاجیک

حوزه ثبت ملک ورامین
آگهی فقدان سند مالکیت

بنابه درخواست مالک مبنی براعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد تقاضا با تسلیم دوبرگ استشهادیه گواهی امضاشده ذیل شماره ۱۵۰۹۵ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۸ در دفترخانه اسناد رسمی ۱۳۷۷ تهران به ضمیمه درخواست به وارده شماره ۱۴۰۲۸۵۶۰۱۰۶۰۰۱۷۳۹۵ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۳ که تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون بشرح ذیل آگهی میگردد.
۱_نام ونام خانوادگی مالکین :سکینه شیخ علیان
۲_میزان مالکیت :سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین بمساحت ۲۳۰۰۰ مترمربع قطعه ۱۱ تفکیکی تحت پلاک ثبتی ۴۴فرعی از۵۹ اصلی واقع در ورامین بهنام پازوکی ورامین که ششدانگ به دفتر۱۵۰ صفحه ۳۴ ذیل ثبت ۴۵۰۶۵ بنام سکینه شیخ علیان بشماره چاپی ۸۶۳۹۸۲ ثبت وصادر شده است وکه نامبرده هم اکنون تقاضای المثنی نموده است لذا شایسته است چنانچه سند مالکیت فوق الاشاره جهت تنظیم هرگونه معامله به آن دفتر خانه ارائه گردید، اخذ وبه این واحد ثبتی ارسال نمایید.
۳_علت مفقودی :جابجائی
۴_یحکایت سوابق ثبتی وثبت دفتر املاک تا کنون نسبت به مورد ثبت معامله ای صورت نگرفته است لذا با توجه به فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست المثنی مراتب اعلام تا شخص یا اشخاصی نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده اند ویا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی به ثبت اسناد ورامین مراجعه واعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند انتقال ، تسلیم نماید وچنانچه ظرف مهلت مقرر اعتراضی واصل نشود طند مالکیت المثنی طبق قانون ومقررات صادر وتسلیم خواهد شد.
۶۸۱ث/م الف
مصطفی شهبازی سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ورامین
از طرف امیر تاجیک

حوزه ثبت ملک ورامین
آگهی فقدان سند مالکیت

بنا به درخواست وکالت نامه شماره ۱۴۰۲۲۲۰۵۰۷۲۱۷۳۲۱ آقای محمد عبدلی مبنی براعلام مفقودی سند مالکیت خانم سکینه شیخ علیان ملک مورد تقاضا با تسلیم دوبرگ استشهادیه گواهی امضاشده ذیل شماره ۱۵۰۹۸ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۸ دردفترخانه اسنادرسمی ۱۳۷۷ تهران به ضمیمه درخواست مالک ۱۷۳۹۹ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۳ که تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است مراتب دراجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت بشرح ذیل آگهی میگردد.
۱_نام ونام خانوادگی مالک:سکینه شیخ علیان
۲_میزان مالکیت:چنانچه سند مالکیت یک سهم مشاع از ده سهم ششدانگ یک قطعه زمین بمساحت ۳۰۰۰۰ مترمربع به شماره ۵۰ فرعی از۵۵ اصلی مفروز ومجزی شده ازفرعی ازاصلی مذکور قطعه ۱۲۳ تفکیکی دفتر۲۱ صفحه ۲۸ چاپی ۱۲۶۲۹۱ بنام آقای سکینه شیخ علیان سند صادرگردید که نامبرده درخواست سند المثنی نموده است.
۳_علت مفقودی :جابجایی
۴_یحکایت سوابق ثبتی وثبت دفتر املاک تا کنون نسبت به مورد ثبت معامله ای صورت نگرفته است لذا با توجه به فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست المثنی مراتب اعلام تا شخص یا اشخاصی نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده اند ویا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی به ثبت اسناد ورامین مراجعه واعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند انتقال ، تسلیم نماید وچنانچه ظرف مهلت مقرر اعتراضی واصل نشود طند مالکیت المثنی طبق قانون ومقررات صادر وتسلیم خواهد شد.
۶۸۲ث/م الف
مصطفی شهبازی سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ورامین
از طرف امیرتاجیک

حوزه ثبت ملک ورامین
آگهی اجرای بند ۳۸۱ مجموعه بخشنامه های ثبتی

نظربه اینکه خانم شیوا آقابابایی مالک مشاعی ازپلاک ثبتی ۵ فرعی ۱۰۵ اصلی واقع درکهنه گل بخش بهنام وسط ورامین که سند مالکیت آن فاقد مساحت صادر گردیده درخواست تعیین مساحت وطول حدود اربعه وصدور سند مالکیت پلاک فوق را از این اداره نموده کارشناسان این اداره در تاریخ ۱۴۰۳/۰۱/۲۱ ساعت ۱۱ صبح جهت بازدید ومعاینه محل وتطبیق حدود وتعیین حدود ومساحت به محل وقوع ملک مراجعه می نمایند لذا بدینوسیله به کلیه مالکین پلاکهای همجوار شامل پلاکهای ۱۴ فرعی از ۱۰۵ اصلی و۵۴ فرعی از۱۰۲ اصلی مالکین مشاعی اراضی فوق واشخاص ذیحق درمجاورت پلاک مورد تقاضا اخطار میگردد درتاریخ فوق جهت عدم تضییع حقوق خود به همراه مدارک مالکیتی وهویتی درمحل حاضر گردند بدیهی است عدم حضور دروقت مقرر مانع از عملیات تعیین مساحت وتحدید حدود اعیانی نخواد بود.
۶۸۴ث/م الف
مصطفی شهبازی سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ورامین از طرف امیر تاجیک

مفقودی
سند کمپانی و برگ سبز سواری سیستم: پژو تیپ: پارس مدل: ۱۳۸۵ رنگ: خاکستری_متالیک به شماره موتور: ۱۲۴۸۵۲۰۲۹۸۴ وشماره شاسی: ۱۹۳۸۵۱۵۴ به شماره پلاک: ایران ۱۶_ ۵۸۹ د ۷۸ مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
قم

مفقودی
برگ سبز سواری رانا پلاس فلز مدل ۱۴۰۲ به رنگ سفید به شماره موتور B۰۱۴۸۰۳۸ و شماره شاسی NAAU۰۱HFFPDA۹۰۶۰۹ و شماره پلاک ایران ۷۲ – ۱۵۳ ج ۳۲ مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی
کارت ماشین و برگ سبز خودرو سواری پژو پرشیا مدل: ۱۳۸۲ رنگ: مشکی متالیک به شماره موتور: ۲۲۸۲۸۲۱۳۳۱۸ وشماره شاسی: ۸۲۸۱۳۲۷۵ به شماره پلاک: ایران ۱۶_ ۳۸۵ ج ۷۴ مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
قم

مفقودی
سند کمپانی وبرگ سبز خودرو سواری پژو ۴۰۵مدل ۱۳۸۹به شماره شهربانی ۳۴_۳۷۱ق۷۶ وشماره موتور ۱۲۴۸۹۳۰۳۷۸۷ وشماره شاسی NAAM۱۱CA۳BE۰۶۸۷۷۴ متعلق به اینجانب ابراهیم دریساوی مفقود واز درجه اعتبار ساقط است.
لردگان

مفقودی
شناسنامه مالکیت(برگ سبز) و کارت مشخصات خودرو سواری سیستم سیتروئن تیپ زانتیا SX مدل ۱۳۸۳ به شماره موتور ۰۰۴۰۱۱۴۱ و شماره شاسی S۱۵۱۲۲۸۳۱۱۷۰۷۱ و شماره انتظامی ۹۹۵ ل ۸۸ ایران ۹۹ بنام رسول عمادی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
چابهار

مفقودی
شناسنامه مالکیت(برگ سبز) ، سند کمپانی خودرو وانت سیستم تویوتا تیپ لندکروز مدل ۲۰۰۱ به رنگ کرم-روغنی به شماره موتور ۰۵۰۹۲۳۶ و شماره شاسی J۷۲۸۰۰۳۳۷۱ و شماره انتظامی ۴۳۲ س ۶۱ ایران ۷۲ بنام صلاح الدین رسولی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
چابهار

مفقودی
شناسنامه مالکیت(برگ سبز) و کارت مشخصات خودرو وانت سیستم تویوتا تیپ لندکروز اف جی ۷۵ مدل ۱۹۸۵ به شماره موتور ۰۳۹۸۷۲ و شماره شاسی ۰۱۴۴۷۴ و شماره انتظامی ۲۱۱ ج ۵۳ ایران ۹۵ بنام محمدعظیم صمدی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
چابهار

مفقودی
شناسنامه مالکیت(برگ سبز) ، سند کمپانی و کارت مشخصات خودرو وانت سیستم تویوتا تیپ لندکروز مدل ۱۹۹۳ به شماره موتور ۰۲۳۰۱۴ و شماره شاسی ۰۹۷۹۸۸ و شماره انتظامی ۲۵۲ ج ۵۳ ایران ۹۵ بنام محمد عظیم صمدی م